

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه - کابل

۰۲ اپریل ۲۰۲۰



در جست و جوی دروغ

تا همین چند لحظه پیش میان دروغ‌ها می‌گشتم. همه کهنه و پوسیده بودند، مثل صافی موترشویان سرسره کابل. در آخر از یک دروغ پرسیدم: شما عقیم شده‌اید؟ هیچ بچه نمی‌کنید؟
دروغ گفت: عقیم نشده‌ایم. شما بچه‌های ما را مثل بره‌های قره‌قل در شکم مادر شکار می‌کنید.
سکوت کردم و دردم گفتم: اگر راست بگوئیم زهره ترک می‌شویم. با دروغ زنده‌ایم.
راست‌ها از پشت دیوار سخنی را که من در دلم گفته بودم شنیدند و با مشت به در و دیوار کوبیده‌های و هو راه انداختند.
از دروغ‌خانه برآمده به پنجره راست‌ها نزدیک شدم. با خشم گفتم چه گپ است؟ سکوت کردند. صدایم را به نشانه آشتی پائین آورده گفتم: چیزی می‌گفتید؟
راست پیری پیش آمده گفت: یونس خان، می‌بینی که از کودکی اینجا کوتاه قلبی هستم. چشم‌هایم نور ندارند. گوش‌هایم سنگین‌اند. چرا از ما می‌ترسید؟
گفتم: ترس؟ چه کسی گفته که از شما می‌ترسیم؟
گفت: ما شنیدیم که چه گفتی.
گفتم: شوخی کردم. ما از راست گفتن زهره ترک نمی‌شویم.
گفت: پس بیا حداقل مرا که ضعیف و نزارم، نه به طالب، نه به داعش، نه به اشرف غنی، نه به عبدالله، نه به خلقی، نه به پرچمی، نه به شعله‌ئی و نه به جهادی بر می‌خورم یک بار بگوی.
گفتم: تو از چه زمانی؟
گفت: از اوایل دوران ظاهرشاه.

می‌خواستم بگویم. زبانت سوخت. به کجاها که بر نمی‌خورد! راست گفتن جرأت می‌خواهد، حتی اگر راست بسیار قدیمی و در حال مرگ باشد.